

مطالعه و شناخت، نقوش نقش برجسته گورستان سفیدچاه بهشهر با رویکرد نشانه شناسی

آمنه آران دینکی^۱

^۱ مدرس دانشگاه (مدعو) فنی و حرفه ای دختران قدسیه ساری)

چکیده

قبرستانها و بقایای مرتبط با آئین تدفین یکی از مهمترین داده های باستانی جهت پی بردن به ابعاد مختلف زندگی بشر می باشد. چرا که نشان دهنده عقاید، فرهنگ، و هنر حجاران و مردمان دوره های گذشته است. نقوش و نمادهایی که بر روی سنگ قبرها حکاکی شده، گنجینه ای گرانبها و ارزشمندی که بیانگر فرهنگ غنی و پربار مردمان هنر منطقه و کشوری می باشد. رمز پردازی و نمادپردازی ارتباط خاصی با زندگی انسان داشته و یکی از مهم ترین ابزارهای هنرمندان کهن، برای بیان مفاهیم، اعتقادات، باورهای دینی، فرهنگی، اساطیری، محسوب می شود. در این پژوهش به مطالعه و تحلیل نقوش نمادین سنگ قبرهای سفیدچاه بهشهر که از گورستانهای بسیار مهم لحاظ قدمت و مضامین نهفته در شکل کالبدی سنگ قبرها، نقش بسته است، پرداخته خواهد شد. هدف از این پژوهش تحلیل نشانه شناسانه نقوش نمادین سنگ قبرها از دیدگاه چارلز ساندرس پیرس فیلسوف و منطق دان آمریکایی، که از اولین کسانی بود که به طبقه بندی واحدهای نشانه شناسی پرداخت. او نشانه ها را به سه دسته شمایی، نمایه ای، نمادین تقسیم نمود. او معتقد بود که نشانه ها الگویی سه وجهی دارد، نمود یا صورت نشانه، تفسیر یا معنای نشانه، موضوع یا چیزی که نشانه را به آن ارجاع می دهند. نتیجه پژوهش نشان می دهد نقوش نمادین سنگ مزارها، اندیشه، باورها و اعتقادات و نحوه تفکر مردمان منطقه را بیان می کند.

واژه های کلیدی: نقوش نمادین، سنگ قبر، سفیدچاه بهشهر، چارلز ساندرس پیرس

مقدمه

رمزپردازی و نمادگرایی ارتباط خاصی با زندگی انسان داشته و یکی از مهم ترین ابزارهای هنرمندان کهن، برای بیان مفاهیم، اعتقادات، باورهای دینی، فرهنگی، اساطیری محسوب می شود. قبر و سنگ قبرها بستر مناسبی جهت پی بردن به ابعاد مختلف زندگی بشر بوده است، چرا که نشان دهنده عقاید، فرهنگ و هنر حجاران و مردمان دوره های کهن می باشد. نقوش و نمادهایی که بروی سنگ قبرها حکاکی شده، گنجینه ای گرانبها و ارزشمندی که بیانگر فرهنگ غنی و پربار مردمان هر منطقه و کشوری می باشد.

با تعمق در نشانه های تصویری و عامیانه سنگ مزارها، پی می بریم که فرهنگ مردمی و باورهای عامیانه آنها در شکل گیری تصاویر تاثیر به سزایی داشته است. تاکید نقاشان عامیانه همواره بر اندیشه جمعی عوام استوار است این ویژگی از خصیصه هنر قومی محسوب می شود در واقع « هنر قومی، بازتاب اندیشه های یک اجتماع است و از یک نیاز جمعی مایه می گیرد.» (فیشر، ۱۳۷۰، ص ۱۹۱) « این تصاویر به نحوی با اعتقادات جاودانگی روح ارتباط دارد و بدون شک تاثیر عقاید مذهبی و روایات و باورها قرار گرفته است.» (فقیه میرزایی، ۱۳۸۴، ص ۲۲۵)

آیین و سنت تدفین در سده های اولیه دوران اسلامی، به دور از هرگونه تجلیل معماری گونه بنا بوده است، و اسلام با برافراشتن آرامگاه ها و برپا داشتن مراسم پرستش مخالف بوده، تکریم قبور یا برپایی مراسم در پیرامون آن را ناشایست می دانست و بنابر روایت اهل سنت، پیامبر ایجاد هرگونه بنایی بر فراز قبر را منع کرده بود و بلندی قبر از سطح زمین های اطراف نیز نباید بیشتر از چهار انگشت بود و همه را در یک سطح از زمین به خاک می سپردند. «اسلام اگر چه تدفین و خاکسپاری را معمول کرد اما مقبره سازی و برافراشتن و بر آوردن گور از سطح زمین و انداختن سنگ را ترویج نداد. اگر چه هیچ نشان و مدرکی از چگونگی آغاز کار گذاشتن سنگ بر قبر در دست نیست، اما صراحت فقه شیعه در چگونگی تدفین و گذاشتن نشانه (سنگ) بر سر قبر پس از چهل روز، می تواند سرآغاز این سنت به حساب آید.» (تناولی، ۱۳۸۸، ص ۷۰)

بیان مسئله و ضرورت پژوهش

پدیده مرگ و جهان پس از آن از بدو هستی در واری فهم انسان قرار دارد. هنرمندان کهن پیوسته از نماد و نشانه بهره برده جستند تا این مسئله را به شیوه خود تعریف نماید. سنگ قبرها بستر بالارزشی برای به نمایش گذاشتن این نقوش می باشند. گورستان سفیدچاه از جایگاه ارزنده ای در میراث فرهنگی و هنری کشورمان برخوردار است نقوش نمادین حجاری شده در سنگ قبور گورستان علاوه بر زیبایی، دریچه ای به دنیای افکار دینی، فرهنگی و هنری هر منطقه است که حکایت از اعتقادات و باورهای، عقاید مذهبی و روایات، جاودانگی روح می باشد.

به طور کلی سنگ قبرهای گورستان سفیدچاه، دارای تصاویر و نقوش نمادین بسیاری می باشد و این نقوش به صورت گود و برجسته حکاکی شده اند، که می توان آنها را به شش گروه گیاهی، حیوانی، انسانی، هندسی و انتزاعی، نمادین، ابزار اشیاء تقسیم بندی نمود. در تحلیل نقوش از دیدگاه نشانه شناسی پیرس، به بررسی نشانه های نمادین و بیان مضمون آنها و دریافت این مهم که برخی از نشانه ها در سنگ مزارها جزء نشانه های طبیعی، بسیاری نیز نمادین و قراردادی و برخی نشانه های وضعی هستند که نیاز به رمزگشایی دارند. مهم ترین نقوش نمادین که بر روی سنگ قبرها حکاکی شده اند شامل: اشکال هندسی مثل دایره، دوایر متداخل، مثلث، مربع، و محراب، قیچی، داس، شانه، آینه، ترازو، شمشیر، گل انار، نیلوفر، درخت، درخت سرو، کبوتر، چلیپا، گردونه مهر، مار و... می باشد.

اهداف این پژوهش

هدف اصلی و اساسی این پژوهش تحلیل نشانه شناسه نقوش نمادین سنگ قبرهای سفیدچاه می باشد. برای تحقق این هدف کلی تلاش شده است با مطالعه و طبقه بندی نقوش در قالب اشکال گیاهی، حیوانی، انسانی، نمادین، انتزاعی و هندسی، اشیاء و ابزار روی سنگ قبرهای گورستان سفیدچاه اهداف زیر دنبال خواهد شد:

۱- به کار گیری یک چارچوب نظاممند برای کشف نقوش بروی سنگ قبرهای گورستان قدیمی و تاریخی سفیدچاه بهشهر

۲- یافتن ارتباط بین نقوش سنگ مزارها و باورها و اعتقادات مردمی منطقه

۳- مطالعه و تحلیل نشانه شناسانه نقوش نمادین از دیدگاه نشانه شناسی پیرس

پیشینه تاریخی گورستان در اسلام

«آرامستان، گورستان و مزارستان جای آرمیدن است و کلمات مشابه آن، آرامگاه و زیارتگاه است و جایگاه زیارت کردن را گویند.» (دهخدا، ۱۳۴۲، ص ۱۸۳۱۵) «آرامگاه ها بعد از مساجد بیشترین حجم بناها و مجموعه های بازمانده از دوران اسلامی را به خود اختصاص داده اند و نقوش سنگ مزارها گویای نوع اندیشیدن و بازگو کردن امرار معیشت انسان های زمان های مختلف است.» (حسینی، ۱۳۹۲، ص ۴) در قرون اولیه در جهان اسلام، مسلمانان سنگ قبرها را به دور از هرگونه تزیینات و ساده، مردگان را تنها با کفنی ساده و چندین سنگ لحد به خاک می سپردند. در مکه، گورستان شمال شهر به نام معلاۀ جایگاه دفن اجساد اجداد رسول خدا(ص) و یاران آن حضرت، و در مدینه منوره نیز قبرستان بقیع، محل دفن امامان(ع) و بزرگان اسلام و همچنین بعد از بقیع یکی از بزرگترین و قدیمی ترین گورستان در جهان اسلام و تشیع، گورستان «وادی السلام» در شهر نجف اشرف است.

به تدریج و بنابر اعتقاد و باورهای دینی، هرکس را در وطن خود دفن می کردند ولی از قرون دهم در سراسر جهان اسلام، مسلمانان علاقمند بودند در جوار پیشوایان مذهبی و در سرزمین های مقدس به خاک سپرده شوند تا زودتر به بهشت و حق تعالی برسند.

پیشینه تاریخی گورستان در ایران

بر اساس شواهد به جای مانده از تمدن های کهن در مشرق زمین به خوبی پیداست که شمایل نگاری و تصویر سازی آن هم به شیوه ای روایتگری بر روی سنگ قبرها، بیانگر اعتقاد به جاودانگی روح پس از مرگ همواره از جایگاه ویژه ای برخوردار بوده است. «اینکه از چه هنگام سنت دفن مردگان در گورهای صخره ای به دفن در گورهای امروزی تبدیل شد اطلاع مستندی در دست نیست اما به دلیل تصویرسازی و مصور کردن کردن قبور شواهدی بجای مانده به ویژه در نقش رستم که اطلاعات مفیدی را در این زمینه در اختیار ما می گذارد.» (خسرو نژاد، ۱۳۷۷، ص ۲۴)

در کشورمان گورستانهایی وجود دارد که سنگ قبرهایشان شکل و شمایل شگفت انگیزی دارند. انسان از زمانی که خود را شناخت با قرار دادم تکه ای چوب یا برجسته کردن خاک، محل دفن هم نوع از دست داده اش را مشخص کرد. تعلق خاطر انسان به هم نوع و زندگی اجتماعی در طول زمان باعث به وجود آمدن گورستان ها شد. (زاهد، ۱۳۹۴، ص ۱۵)

پیشینه تاریخی گورستان سفیدچاه بهشهر

گورستان سفیدچاه واقع در جنوب شرقی استان مازندران، از توابع شهرستان بهشهر، نخستین قبرستان مسلمانان با قدمت ۱۲۰۰ سال در روستایی به نام «سفید چاه» واقع است. این گورستان در بخش «پانه سر هزار جریب» در شرق مازندران و در ۳۰ کیلومتری جنوب گلوگاه قرار دارد. این بخش محل اتصال استان های مازندران، گلستان و سمنان می باشد. «این گورستان، اولین گورستان مسلمانان در ایران و از نظر سازمان میراث فرهنگی استان مازندران، این گورستان به زمان تیموریان (قرون ۱۴ تا ۱۶ میلادی) باز می گردد و در تاریخ ۱۷ اسفند ۱۳۸۱ با شماره ثبت ۷۸۴۵ به عنوان یکی از آثار ملی ثبت شده است.» (آژند، ۱۳۶۵، ص ۱۴۷)



شکل ۱. نمایی از گورستان سفیدچاه بهشهر (منبع، نگارنده)

نقوش حک شده بر گورهای این گورستان مانند یک موزه و گنجینه ایی است که دارای ویژگی های منحصر و خاصی می باشد. مهم ترین ویژگی قبرستان سفیدچاه، نصب سنگ قبرها به صورت عمودی و ایستاده است. و از دیگر ویژگی های متفاوت این گورستان وجود نمادهایی که نشان دهد که مرد یا زن در این قبور دفن شده اند.

وجه تسمیه گورستان سفیدچاه

گورستان سفیدچاه به «گورستان اسپه چاه، سپیدچاه»، نیز شهرت دارد و علت نامگذاری این روستا به سفیدچاه، به خاطر رنگ سفید خاکش است که دلیل آن وجود آهک فراوان می باشد. اهالی اروستا بر این باورند که اجساد در این گورستان سالیان دراز سالم باقی می ماند و پس از پژوهش های بسیار علت آن، آهک موجود در خاک مانع از پوسیدن اجساد می شود. بسیاری از اهالی آبادی های اطراف، مرده هایشان را به این گورستان می آوردند تا در جوار سه امامزاده موجود به نام های ابراهیم، منصور و عبدالرحمان که منسوب به نوادگان موسی ابن جعفر (ع) به خاک سپارند. با توجه به مشاهدات موجود در سنگ مزارهای قرن هشتم و نهم، روند شکل گیری قبرستان سفیدچاه به حضور سادات مرعشی، روزافزونی و پادشاهان محلی دیگر مرتبط است. لفظ مرعش در لغتنامه دهخدا بدین ترتیب آمده است: «نوعی کبوتر سفید دور پرواز.» (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۳۴۲)

چارچوب نظری نشانه شناسی پیرس

چارلز ساندرس پیرس، منطق دان و فیلسوف آمریکایی (۱۸۳۹-۱۹۱۴) یکی از بنیان گذاران علم نشانه شناسی و نظریه نشانه ها است و الگوی متفاوتی از نشانه تدوین کرد. نظریه نشانه شناختی پیرس بر تحلیل تفکر به طور کلی استوار شده است نه بر تحلیل زبان و او به طبقه بندی منطقی از انواع نشانه پرداخت. به اعتقاد پیرس نشانه شناسی چارچوب مرجع مستقل و بسیار گسترده ای است که می توان انواع استدلال و قضایای منطق و نحوه حصول معرفت جدید، همچنین همه رشته می بایست با علم نشانه شناسی مورد بررسی قرار گیرد. یکی از مهمترین ویژگی های نشانه شناسی پیرس، بررسی نشانه ها که در یک رابطه سه وجهی یا سه طرفه قرار می گیرند. یک نشانه چیزی است که در برابر یک شیء قرار می گیرد تا چیز سوم را که تعبیر نام دارد تعیین کند. یا به عبارتی دیگر: بازنمون، صورتی که نشانه به خود می گیرد و لزوماً مادی نیست؛ موضوع، نشانه را به آن ارجاع می دهد و تفسیر، نه تفسیرگر، معنایی که از نشانه حاصل می شود. (سجودی، ۱۳۹۸: ۲۱) تعامل بین این سه وجهه (بازنمون، موضوع، تفسیر) را پیرس نشانگی می نامد برای مثال چراغ قرمز راهنمایی که سر چهار راه قرار دارد بازنمون می باشد و توقف خودروها موضوع و این تفکر که چراغ قرمز به معنی آن است که خودروها باید متوقف شوند تفسیر آن می باشد.

تعریف نماد: نماد نشانه ای است که به تفسیر کننده نیاز داشته باشد و معانی مختلفی، چون سمبل، مظهر که بیانگر یک اندیشه، شی، مفهوم می باشد. نمادها می تواند یک شی مادی باشد که شکلش بطور طبیعی یا بر پایه قرارداد با چیزی که به آن اشاره می کند به کار برده شود.

تعریف نشانه: «نشانه یک واحد معنادار است که به عنوان اشاره گر بر چیزی جز خودش تفسیر می شود. نشانه ها در صورت های فیزیکی واژه ها، تصاویر، اصوات، کنش ها یا اشیاء (این شکل از نشانه گاهی حامل نشانه نامیده می شود) ظاهر می شوند. نشانه ها معنایی ذاتی و درونی ندارند و فقط وقتی تبدیل به نشانه می شوند که کاربران نشانه با ارجاع به یک رمز به آنها معنا دهند.»

(چندلر، ۱۳۷۸: ۳۴۲) «دیدگاه سه گانه پیرس درباره نشانه و تبیینی که او از نشانه پردازی به دست داد، برجسته ترین دستاورد وی برای نشانه شناسی سده بیستم بوده است.» (مکاریک، ۱۳۹۳: ۳۳۰) پیرس نشانه ها را به سه دسته نمایه، شمایل، نماد تقسیم بندی نمود.

نشانه های نمایه ای: نمایه به یک پیوند واقعی میان نشانه و موضوعش، اشاره می کند. رابطه دود و آتشی که بر آن دلالت می کند. «دامنه امکانات نمایه ای در یک اثر هنری در برگیرنده عناصری از یک سبک، فن کاربرد رنگ، زمینه های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی اثر، پاسخ بیننده، سندهای مرتبط با اثر و امضای هنرمند است.» (آدامز، ۱۳۹۰: ۱۶۷) پیرس برای نمایه سه ویژگی بیان دارد: نخست اینکه نمایه ها هیچ شباهتی قابل توجهی به موضوع ندارند، دوم اینکه به افراد، واحدهای منفرد، مجموعه های منفرد از واحدها با پیوستارهای منفرد دلالت می کند و سوم نمایه ها توجه را از طریق نوعی اجبار کور به موضوع هایشان جلب می کنند ارائه داده است.

نشانه های شمایلی: شمایل نشانه ای است که به موضوع خود شباهت دارد به عنوان مثال چهره نگار، به واسطه شباهت با کسی که آن چهره نگار بازنمایی می کند یک شمایل است. چنین نشانه هایی ورای مرز فرهنگ و زبان قابل شناسایی هستند از طرفی در وجه شمایل آنچه به نظر اهمیت بیشتری دارد گونه ای ارتباط میان اجزا است.

نشانه های نمادین: از دیدگاه پیرس نماد، نشانه است که به واسطه یک قانون و قرارداد به موضوع ارجاع داده می شود. و این قاعده و قراردادها باید آموزش داده شود. نماد بدون تفسیر ویژگی نشانه بودنش را از دست می دهد از نظر او نماد محدود به کلمات نیست و نشانه نمادین نشانه ای است که به شیئی توسط یک شبه واقعیت به قانون، دلالت می کند و می تواند معمولاً تداعی کننده اندیشه ها عقاید و باورها باشد و همچنین هر نمادی در طبقه نشانه های عمومی و یا کلی قرار می گیرد. نماد صرفاً یا اساساً از آن جهت نشانه است که به مثابه یک نشانه به کار برده می شود و دریافت می شود. اگر تفسیری در کار نبود نماد ویژگی نشانه ای خود را از دست می داد. نماد فارغ از هر گونه تشابه یا قیاس با ایزه اش و همچنین فارغ از هر نوع ارتباط واقعی با آن، بلکه صرفاً به دلیل آنکه در حکم یک نشانه تفسیر می شود، به نقش خود عمل می کند. (سجودی، ۱۳۹۸: ۲۷) پیرس معتقد است نشانه ها بسته به زمان تغییر می کنند زمانی یک نشانه شمایلی و شاید در چند قرن بعد تبدیل به نماد می شود بر همین اساس نشانه های نمادی- شمایلی و نمایه- نمادین به وجود می آیند. برخی علائم و نشانه ها هم نمادین هستند چون عنصر قرارداد و یادگیری در آنها وجود دارد و هم شمایلی هستند چرا که ایده این نوع علائم و نشانه ها از شباهتی تصویری گرفته شده است. به طور کلی نشانه شناسی پیرس دامنه بسیار گسترده ای را شامل می شود و پاسخگوی تمام عرصه های زندگی، فکری و عملی انسان را در برمی گیرد بر همین اساس ابزار مفیدی برای درک و استدلال آثار هنری و ادبیات کهن و... می باشد.

انواع نقوش سنگ قبرهای سفیدچاه بهشهر

نقوش به کار رفته بروی سنگ مزارهای گورستان سفیدچاه را می توان به شش گروه گیاهی، حیوانی، انسانی، هندسی و انتزاعی، نمادین، ابزار و اشیاء تقسیم بندی کرد (جدول ۱). در ادامه به بیان مفاهیم انواع نقوش نمادین منطقه پرداخته خواهد شد.

۱- نقوش گیاهی

گیاهان نقشی انکار نکردنی در حیات انسان دارند، چرا که اولین مرحله ی حیات و نماد زایش دایمی و جریان بی وقفه زندگی اند. هنرمندان و حجاران با الهام از طبیعت و موقعیت جغرافیایی و به واسطه جنگل ها و دشت ها و گیاهان محلی همچون: سرو، کاج، چنار، انار، بته جقه، نیلوفر و گل به خلق نقوش نمادین بروی سنگ قبرها پرداخته اند.

نقش گیاه: بر اساس نگرش اساطیری در ایران باستان، گیاه (هوم) روح و جسم را درمان می‌کند. « هوم که در دنیای مینوی ایزد است و در دنیای گیتی گیاه، دشمنان را دور می‌سازد، درمان‌بخش است و سرور گیاهان به شمار می‌رود.» (آموزگار، ۱۳۷۶: ۳۰)



شکل ۲. نقش برگ، سنگ مزار سفیدچاه بهشهر، (منبع، نگارنده)

نقش گل: «گل بطور نمادین در عالم طبیعت، مظهر زیبایی است و شعرا و عرفا را به لطافت و ملاحظت وجودی نسبت می‌دادند، که شاخصه‌اش گل بود.» (اسکندریور، ۱۳۹۴: ۳)

نقش درخت: «درخت رمز رستاخیز رستنی‌ها، گیاهان، بهاران و تجدید حیات یا نو شدن سال است.» (الیاده، ۱۳۷۲: ۲۵۹) درخت نمایانگر ریشه و نسل است. ایرانیان قدیم به درختان احترام بسیاری گذاشته و گاهی تا سر حد پرستش درختان را دوست داشتند. حرمت یافتن بعضی از درختان همیشه سبز یا درختان کهن در ایران به دلیل همجواری آن با امامزاده‌ها و پیران مقدس نیز نشانه‌ای از تقدس نباتات در باورهای ایرانی است. (بهار، ۱۳۷۷: ۲۶۱)



شکل ۳. نقش درخت زندگی، سنگ مزار سفیدچاه، منبع (نگارنده)

نقش درخت سرو: یکی از مهمترین نقوش نمادین، درخت زندگی است که شاید تبلور آن در سنگ قبرهای را بتوان درخت سرو در نظر گرفت، سرو نشانه‌ای است از جاودانگی و نامیرایی و حیات پس از مرگ، و با مفهوم ابدیت و حیات جاوید در مرتبط است. «درخت سرو در اساطیر نمادی از درخت همیشه سبز و نمادی از فناپذیری و جاودانگی است.» (یاحقی، ۱۳۸۶: ۴۵۹) «در جهان اعتقادی انسان، درخت با وجود بی‌حرکی، نمادی از تولد و رشد و تکامل و بطور کلی زندگی دانسته شده و هم جلوه‌های قدسی یافته است، درخت صورت مثالی زندگی و نماد تطور و نوشدگی است.» (غنی نژاد، ۱۳۷۹: ۴۶)



شکل ۵. (سرو خمیده)، سنگ مزار سفیدچاه، منبع (نگارنده)

شکل ۴. نقش گل انار، سنگ مزار سفیدچاه (وفایی، ۱۳۸۸: ۱۸۱)

نقش درخت انار: انار نماد فراوانی، باروری و غریزه جنسی، نشانه آرزو و خواهرش، جهان پس از مرگ و عظمت خداوند است.

نقش درخت کاج: کاج نمادی از راستی، عمود بودن، نیروی حیاتی باروری، سکوت، گوشه عزلت است و چون همیشه سبز است مفهوم بی مرگی است.

۲- نقوش حیوانی

حیوانات در ایران باستان و در ادوار مختلف تاریخی، در باور و اعتقادات مردم نقش مهمی را ایفا می کردند و به علت عقاید جادویی و مذهبی، تصویر جانوران را به صورت خیالی و گاهاً تمثیلی نمایش می داده اند.

نقش پرنده: از معانی سمبلیک پرنده می توان به آزادی، آسمان، ابر، پیام رسانی و جاودانگی، حاصلخیزی و روح هوا اشاره کرد و در ایران منتقل کننده وحی و سروش نماینده عقل کل، تجسمی از آتش، ابر، خورشید و صاعقه و پرنده دراز پا معروف به عمر طولانی است. (جابر، ۱۳۷۰: ۲۸)

نقش سگ: سگ در ایران باستان، همانند اسب و شیر، بسیار ارجمند شمرده شده است. سگ در اسطوره وظیفه راهنمایی روح را دارد. سگ در تمدن های گوناگون نشانه مراقبت، وفاداری و همراه و پیام آور خدایان به شمار می آید. در ایران نیز نشان همراه و هدایت کننده مردگان به آسمان و جهنم می باشد.

مارمولک: در ادوار کهن مارمولک نماد جهان ارواح و در عهد باستان نماد گرمای فوق العاده می دانستن در برخی از قبیله ها مارمولک را پرستش می کرده اند و برخی معتقد بودند که طلسم مارمولک کور را بینا خواهد کرد. نماد گرایی مارمولک در ارتباط با نماد گرایی مار می باشد، در مصر باستان نماد خیر خواهی و پیکی از طرف خداوند که خبر مرگ بدون بازگشت را برای انسان خواهد آورد. (وارنر، ۱۳۸۶: ص ۵۲۲)



شکل ۶. نقش مارمولک، سنگ مزار سفیدچاه (منبع، نگارنده)

۳- نقوش انسانی

نقوش انسانی روی سنگ قبور سفیدچاه بیشتر جنبه اطلاع رسانی داشته از انجام کار یا حرفه ای مربوط به شخص متوفی که معمولاً با ابزار و اشیاء مربوط به آن حرفه نشان داده می شود گاهاً این نقش و نگاره ها نشانه هایی هستند از زندگی پیرامون فرد متوفی که سنگ تراشی شده اند و به منظور گرامی داشت یاد در گذشتگان می باشد.

۴- نقوش هندسی و انتزاعی

در سنگ مزار سفیدچاه برای دوری جستن از واقعیت مادی و نزدیکی به حقیقت معنوی و روحانی از نقوش تزئینی و تجریدی و هندسی بهره جستند، این نقوش هندسی عبارتند از: دایره، مربع و مثلث، لوزی و همچنین از نقوش اسلیمی، ختایی، محرابی و درگاهی، (جدول ۲) تمامی مفاهیم نمادین این نقوش بیان شده است، و همه به نوعی به زندگی و جهان پس از مرگ اشاره دارد.

نقش اسلیمی: نقوش اسلیمی به اعتقاد هنرمندان مسلمان یادآور بهشت است و نماد تفکر، مراقبه و تداعی کننده مفاهیم والا و مقدسی که صعود معنوی از عالم ماده، و رهایی بخش از عالم اسفل در روح آدمی را بیان می کند. نقش اسلیمی به عنوان شاخصه اصلی و مهم نقوش تزئینی اسلامی می باشد چرا که بیان کننده تمام و کمال خصوصیات ارزشی دین اسلام می باشد.



شکل ۸. نقش لوزی، سنگ مزار سفیدچاه، منبع (نگارنده)



شکل ۷. نقش اسلیمی و ختایی، سنگ مزار سفیدچاه، منبع (نگارنده)

۵- نقوش ابزار و اشیاء

نقوش ابزار و اشیاء بیانگر اطلاعات زندگی شخصی و نشانگر حالات معنوی متوفی بوده است، برخی از این نقوش حاکی از شغل و صنعت متوفی‌اند. شغل‌هایی مانند: حجاری، نجاری، بنایی، آهنگری، زرگری، نانوایی، کفاشی، آشپزی و..... و از نقوش‌هایی چون، شانه، قیچی، تفنگ، نخ، سوزن، اره و چکش، قلم و چکش و..... بهره برده‌اند تا تداعی‌گر این مشاغل باشد. در بعضی قبور این نقوش به حدی با دقت حجاری شده که می‌توان به راحتی از روی نقوش شغل متوفی را مورد بررسی قرار داد.

نقش ماسوره: چرخ نخ‌ریسی نشانه گردش عالم است و نخ ریزی و بافندگی اصل مونث را در حال بافتن سرنوشت و حجاب جهان و هم‌آلود نشان می‌دهد. (کوپر، ۱۳۷۹: ۱۶۰)

نقش شمشیر: شمشیر نشانه نیرو، حفاظت، اقتدار، سلطنت، عدالت، قدرت، نابودی، اصل مذکر است. این نقش در سنگ قبرهای سفیدچاه به وفور مشاهده می‌شود چراکه منطقه مازندران طبق تاریخ طبری مردمانی جنگجو بوده‌اند.



شکل ۹. نقش شمشیر و چاقو، سنگ مزار سفیدچاه (منبع، نگارنده)

۶- نقوش نمادین

علاوه بر نقوش حیوانی، گیاهی، انسانی، نقوش هندسی که اغلب جنبه نمادین داشته نقوش دیگری هم وجود دارند که جلب توجه می‌کنند و بیانگر اطلاعات و زندگی شخصی و نشانگر حالات معنوی متوفی بوده است. برخی از این نقوش حاکی از شغل و صنعت متوفی‌اند. شغل‌هایی مانند: حجاری، خیاطی، قصابی، نقاشی و شکار و از نقوش‌هایی چون، شانه، تفنگ، نخ، سوزن و قیچی، اره و چکش، قلم و چکش و..... بهره برده‌اند تا تداعی‌گر این مشاغل باشد مثلاً نقش کنده کاری شده داس حکایت از سنگ قبر یک کشاورز دارد. در بعضی قبور این نقوش به حدی با دقت حجاری شده که می‌توان به راحتی از روی نقوش شغل متوفی را مورد بررسی قرار داد. برخی از این نقوش ابزار و اشیاء جنبه نمادین دارد مانند قیچی که علاوه بر شغل متوفی که خیاط می‌باشد، نمادی از مرگ و قطع رشته حیات نیز می‌باشد.

برخی نقوش بیانگر اعتقادات و حالات معنوی متوفی دارد مانند: مهر و تسبیح که بیانگر تقوی و ایمان متوفی است این نقوش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشند. همچنین نقوش روی سنگ مزارها، بیانگر جنسیت فرد متوفی می‌باشد مانند استفاده از نقوش شمشیر، کارد، تبر و شانه یک طرفه که نشانگر متوفی مرد و استفاده از نقوش شانه دو طرفه، ابزار بافندگی یا شانه قالیبافی که اشاره به متوفی زن بوده است.



شکل ۱۰. نقش مهر و تسبیح و شانه، سنگ مزار سفیدچاه (منبع، نگارنده) شکل ۱۱. نقش شانه، سنگ مزار سفیدچاه (حسینی، ۱۳۹۲: ۱۱۹)

نقش شانه: شانه موی سر نمادی از پاکی و آراستگی و همچنین برای نمایش جنسیت فرد متوفی، نقش شانه دوطرفه برای خانم ها، و شانه یک طرفه برای آقایان است.



شکل ۱۲. نقش شانه دو طرفه، سنگ مزار سفیدچاه (زاهد، ۱۳۹۴: ۳۶) شکل ۱۳. نقش ترازو، سنگ مزار سفیدچاه (زاهد، ۱۳۹۴: ۴۸)

نقش آینه: آینه نشانه خود بازبینی و نقش آن روی سنگ قبرها نشانگر زیبایی ظاهری و خوش سیمایی و بازتاب حقیقت، صمیمیت، درون قلب، زلال و صاف بودن دل و خوبی اعمال متوفی، و مظهر فکر و خرد می باشد. افلاطون و ارسطو روح را به آینه شبیه می دانستند. (شوالیه؛ گرابران، ۱۳۸۷: ۳۲۹)

نقش ترازو: ترازو نشانه داوری خصوصاً داوری روح پس از مرگ می باشد. نقش ترازو در هنرهای اقوام و فرهنگ های مختلف حضور دارد. از هنرهای منطقه های مصر و یونان تا حضورش در هنرهای مسیحی، بودایی و رومی که هر کدام به نوعی وظیفه داوری اخروی را برعهده دارند. (هال، ۱۳۸۰: ۱۲۲)

نقش موج درهم: نقش موج درهم از شکل دایره های متحدالمرکز پنج تایی تشکیل شده نماد پنج اهل بیت و دوری از چشم زخم است.

نقش خورشید: خورشید نماد نور حق، امری مقدس و متعالی، بلند پروازی، بالا جویی مظهر پدر، شاه، رهبر سمبل سلطنت و اقتدار می باشد.



شکل ۱۴. نقش خورشید، سنگ مزار سفیدچاه (زاهد، ۱۳۹۴: ۴۱)

جدول ۱. انواع نقوش در سنگ قبرهای سفیدچاه بهشهر

نقوش گیاهی	نقوش حیوانی	نقوش انسانی	نقوش هندسی و انتزاعی	نقوش نمادین	نقوش ابزار و اشیاء
درخت	پرنده	چهره انسان با کلاه	اشکال هندسی (دایره، مربع، لوزی)	خورشید، آفتاب	مهر، تسبیح، شانه
درخت سرو	کبوتر	صورت نیمرخ	مثلث، زیگزاگی	درهم، موج درهم، موج آب	آینه، کلید، کوزه
درخت چنار	دارکوب		محراب، اسلیمی	آسمان، چلیپا، اسلیمی	ترازو، قیچی
درخت کاج	خر، الاغ		خطوط مواج و کنگره ایی	محراب، قیچی، شانه	سنباق قفلی
سرو خمیده	گوزن			آینه، مهر و تسبیح	چاقو، تفنگ، اره
گیاه، برگ، گل	مار			سلاح، ابزار کار	داس، تبر، نیزه
بته جقه، گل انار	مارمولک			بافندگی	شمشیر، ماسوره
گل نیلوفر	روباہ			و ریسندگی، نقوش گیاهی، کبوتر، ماهی، مار، اسب، گوزن	دفعه، کلارد، شانی
گل چندپر (رزت)	مرغابی			دارکوب، مارمولک، مرغابی، خر	ماکو، درفش
نقش گل و گلدان	اسب، ماهی				

(منبع، نگارنده)

جدول شماره ۲، مضمون نقوش نمادین سنگ قبرهای گورستان سفیدچاه

نقش	مضمون نمادین
دایره	نماد کلیت، کمال و تجلی نور الهی
مربع	نماد زمین، استواری، هماهنگی و عالی ترین فضیلت
مثلث	نماد طبیعت سه گانه، آسمان، زمین و انسان، نماد آتش و مثلث قائم نماد مرد و مثلث وارونه نماد زن
لوزی	نماد وحدت آسمان و زمین، عالم زیرین و برین
خطوط زیگزاگی و مارپیچ	نماد سفر روح پس از مرگ، نماد خورشید و ماه، مذکر و مونث و رهایی از عالم اسفل و رسیدن به جوهر باطنی
خورشید قدیم (سواسیتکا)	اعتقاد به تفکر دینی (این نقش معادل سواسیتکا و چلیپای شکسته) است و نماد نیک بختی است
خورشید جدید	نماد گرما و نور حیات بخش، نور حق، امری مقدس و متعالی
آفتاب تیره	نماد خیر خواهر و برکت
نقش موج	نماد روشنایی، پاکی و تقدس، برکت

نماد پنج اهل بیت و دوری از چشم زخم	موج درهم
نماد چهار طبقه پایگاه ستارگان، ماه، خورشید، و پایگاه روشنی بی پایان بهشت است	نقش آسمان
نماد ایزد، درمانگر روح، طلب باران، خوش یمنی، روزگار نیک	نقش گیاه
نماد امید، احیاء و تجدد حیات	نقش برگ
نماد زیبایی، توصیفی عارفانه و جمال قدرت خداوند	نقش گل
نماد آفرینش و تولد، نماد الهه آناهیتا، ایزد بانوی آب	گل نیلوفر
نماد امید به زندگی، حیات مجدد، آرامش ابدی	گل و گلدان
نماد ریشه، نسل و تولد، رشد، تکامل و زندگی، حیات جاویدان	نقش درخت
نماد سرسبزی و فنا ناپذیری و جاودانگی، خوش اقبالی	نقش سرو
نماد غنا و باروری، سرسبزی، برکت و نعمت خدایان و ارواح	نقش چنار
نماد راستی، سکوت و مفهوم بی مرگی	نقش کاج
نماد باروری و غریزه جنسی، نماد خواهرش و آرزو، نماد جهان پس از مرگ و نماد بزرگی خدا	نقش درخت انار
نقش بته جقه یا همان سرو خمیده نماد زندگی، نجابت، تواضع آدمی، سربلندی و استقامت است	نقش بته جقه
نماد چرخ خورشید، روز و روشنایی و وحدت روحانی	نقش چلیپا
نماد بهشت، تفکرو مراقبه، سمبل حرکت و زایش	نقش اسلیمی
دروازه بهشت، پنجره ای به سوی نورخدا، محل عبادت	نقش محراب
نماد طلب امید به رحمت، مغفرت و رستگاری	نقش طشت آب
زوال ناپذیری روح، سادگی و خلوص، صلح	کبوتر
نماد باروری، پیشگویی مبشر باران و دفع کننده بلا	دارکوب
نماد بی مرگی، سطحی نگری، شادی، وفاداری و عشق	مرغابی
نماد جهان ارواح، خیر خواهی و خبر مرگ بی بازگشت	مارمولک
نماد سرآغاز زندگی، حاصلخیزی، عشق ورزی و آمیزش	ماهی
نماد سلامتی، ثروت، جاودانگی و طول عمر	مار
نماد فکر شیطان، کفر و دغل بازی و نماد شانس	روپاه
خر نماد حماقت و الاغ نماد خویشتن داری، سهل انگاری	خر- الاغ
نماد طول عمر، روح سرگردان و تقدیس	گوزن
آزادی و پایداری، سرعت و سفر کردن	اسب
گرامیداشت یاد متوفی و اطلاعات شخصی	نقش انسان
اعتقاد به معنویت، ایمان و آرامش پس از مرگ	مهر و تسبیح

شانه یکطرفه	پاکیزگی و آراستگی، نماد مرد
شانه دو طرفه	پاکیزگی و آراستگی، نماد زن
قیچی	نمادی از مرگ و قطع رشته حیات است.
سنجاق قفلی	نماد عهد و پیمان، مهربانی و وفاداری، بکارت
ترازو	نماد داوری روح پس از مرگ است، عدالت، قضاوت است.
کلید	نماد خرد، بلوغ رستگاری و روح پس از مرگ
آینه	نماد عشق الهی و خود بازبینی، آراستگی و زیبایی
کوزه	نماد برکت و روزی، رفع بلا، غلبه بر مرگ و تولد
نقش ماسوره	نماد گردش عالم و جنسیت مونث و حجاب جهان
سلاح	نماد جنگجو، ورزشدگی و شجاعت
چاقو	نماد شجاعت و دلیری
شمشیر	نماد نیرو، اقتدار، سلطنت و عدالت و جنسیت مرگ
تفنگ	نماد جنگجویی، شجاعت و مهارت در شکار
تبر	نماد قدرت، عدالت و تمیز دادن میان حق و باطل
داس	نماد آزاد سازی روح و گذشت زمان و مرگ و ستم زن
شانه بافندگی	نماد شغل قالیبافی
نقش اره و تبر	نماد شغل نجاری

(منبع نگارنده)

تحلیل و بررسی نقوش نمادین گورستان سفیدچاه از دیدگاه نشانه شناسی پیرس

نقوش نمادین حجاری شده بر سنگ قبرهای گورستان سفیدچاه به شهر از جایگاه با ارزشی در میراث فرهنگی و هنری کشورمان برخوردار می باشند، و به عنوان یک گنجینه نمادین از شاهکارهای هنری و نشان از هویت ملی ایرانی بشمار می آیند، بی تردید پژوهش، تجزیه و تحلیل و بیان مفاهیم نهفته نقوش نمادین این گورستان از اهمیت ویژه ای برخوردار است هم به لحاظ مردم شناسی و باستان شناسی و هم به لحاظ قدمت و تاریخی بودن، و هم به لحاظ تنوع نقوش نمادین و مضامین نهفته در سنگ مزارها که بیانگر سه نوع طراحی با نگرش آیینی، مذهبی، روزمره می باشند. با تعمق در نشانه های تصویری و عامیانه سنگ مزارها، پی می بریم که فرهنگ مردمی و باورهای عامیانه آنها، در شکل گیری تصاویر تاثیر به سزایی داشته است. نقوش حجاری شده، علاوه بر زیبایی، همچون دریچه ای به دنیای افکار دینی، فرهنگی و هنری است، که گفته های بسیاری از نگاه پر رمز و راز در خود دارند. انسان در طول دوره های مختلف تاریخی به شیوه ی نماد پردازی توانسته مفاهیمی را نمودار سازد، که به شیوه های دیگر قابل توصیف نبوده است. حضور نماد در زندگی انسان به هیچ وجه حضوری ثابت و غیر فعال نیست بلکه این عناصر از حضوری فعال و پویا در زندگی انسان، برخوردارند. به منظور درک مفاهیم و مضامین پنهان این نقوش نمادین، می بایست از یک چارچوب کلی، اصول و مبانی تحلیلی نماد شناسانه بهره جست. نماد نشانه ای است که میان صورت

و مفهوم آن نه شباهت عینی است، نه رابطه همجواری بلکه رابطه ای است قراردادی، نه خود به خودی و ذاتی. «نماد» نشانه ای است که به تفسیر کننده نیاز داشته باشد و معانی مختلفی، چون سمبل، مظهر، بیانگر یک اندیشه، شی و مفهوم می باشد. نمادها می تواند یک شی مادی باشند که شکلش بطور طبیعی یا بر پایه قرارداد با چیزی که به آن اشاره می کنند به کار برده شود. این قاعده و قراردادها باید آموزش داده شود. به طور کلی نشانه شناسی پیرس بر تحلیل تفکر استوار شده است نه بر تحلیل زبان، کاربرد نشانه شناسی پیرس برای تحلیل تمامی نظام های نشانه ای که حاوی معانی فرهنگی هستند امکان پذیر و مفید است این روش دارای چارچوب مرجع و دامنه بسیار گسترده ای را شامل می شود و پاسخگوی تمام عرصه های زندگی، فکری و عملی انسان را در بر می گیرد بدین جهت سازگاری بیشتری با تاریخ هنر داشته است و ابزار مفیدی برای درک و استدلال آثار هنری و ادبیات کهن و... می باشد. پیرس معتقد است نماد بدون تفسیر ویژگی نشانه بودنش را از دست خواهد داد از نظر او نماد محدود به کلمات نیستند. پیرس معتقد است نشانه ها بسته به زمان تغییر می کنند. زمانی یک نشانه شمایی و در چند قرن بعد تبدیل به نماد شود بر همین اساس نماد های نمادین - شمایی و نمایه - نمادین به وجود می آیند. برخی علائم و نشانه ها هم نمادین هستند چون عنصر قرارداد و یادگیری در آنها وجود دارد و هم شمایی هستند چرا که ایده این نوع علائم و نشانه ها از شباهتی تصویری گرفته شده است.

در تطبیق و تحلیل نقوش نمادین سنگ قبرها از دیدگاه نشانه شناسی پیرس، به بررسی نشانه های نمادین و بیان مضمون آنها و دریافت این مهم که برخی از نشانه های در گورستان به طبع از موقعیت جغرافیایی و باور و اعتقاداتی محلی منطقه ایجاد شده اند. بسیاری از نشانه های جزء نشانه های وضعی یا همان نشانه های نمادین هستند و نیاز به رمزگشایی دارند در برخی از نقوش نمادین که مربوط به ابزار و اشیاء مشاغل بوده نشانه های نمادین شمایی نیز می باشند. حکاکی های نقوش نمادین سنگ مزارها بارویکرد بسیار ساده انگارانه و فرم ها و نقوش بسیار ساده و ابتدایی و به دور از هر گونه ترویج و آنها را از یک سنگ مزار ساده خارج کرده و در رده یک اثر هنری قرار داده است. به طور کلی می توان این نقوش نمادین را به شش گروه گیاهی، حیوانی، انسانی، هندسی و انتزاعی، نمادین، ابزار و اشیاء تقسیم بندی نمود.

نشانه های نمادین جایگاه ویژه ای را در سنگ مزارها داشته و حضور چشمگیر این نقوش نسبت به نقوش دیگر از نکات قابل توجه است. از ویژگی های نقوش نمادین تنوع چشمگیر نشانه ها مثل خورشید، سرو، نیلوفر، اسب، انار و گل انار و..... یکی از مهم ترین نقوش تجربیدی و نمادین درخت زندگی است که شاید تبلور آن در سنگ قبرها را بتوان درخت سرو در نظر گرفت و از جمله درخت هایی است که وجه اساطیری قوی تری نسبت به سایر نقوش دارد و از درختان نمادین و مقدس و زندگی بخش به شمار می رفته است در برخی متون غربی درخت سرو نماد درخت بهشتی و خوش اقبالی بوده است. سبز بودن درخت سرو به آن وجهه ای تقدس گونه و جاودانه بخشیده است. حضور انار و گل انار در سنگ قبرهای سفیدچاه به حضور چشمگیر انار در منطقه مازندران دارد که مردمان آن از دیر باز این میوه را نه تنها از لحاظ معنوی که نماد جهان پس از مرگ و نماد بزرگی و عظمت خداوند میدانند برای آنان مورد اهمیت بوده است. به طور کلی نقوش گل و گیاه علاوه بر پر کردن فضای خالی سنگ بکار برده شده که جلوه ای زیبا به سنگ قبرها بخشیده و همین نقوش بعد ها با در آمیخته شدن با مذهب معانی نمادین ویژه به خود گرفتند.

نقوش حیوانی، از مهم ترین و زیباترین نقش مایه هایی است که همجواری آن با نقوش گیاهی و انسانی، معانی نمادین متفاوتی را بازآفرینی می کند. نقش پرنده نشانه ای از پرواز و اوج گرفتن روح انسان و عالم غیر مادی است. پرند سمبل آزادی و رهایی از بند تن و عالم خاکی است. نقوش حیوانی مثل مارمولک، مرغابی، دارکوب و مار در گورستان سفیدچاه بسیار یافت شده است، نقش مار در روی سنگ ها در ادوار کهن نماد آب، باران، فرزندی، خرد و در ایران باستان ریشه مرگ و سمبل قدرت و ثروت می باشد.

نقوش انسانی در سنگ گورها حک شده نشان از فرد متوفی و همراه ابزار و اشیاء باشد نماد از شغل متوفی می باشد. نقوش انسانی به صورت نیمرخ یا با کلاه نشان داده شده که این نقوش نیز جزء نشانه نمادین شمایی می باشد.

نقوش هندسی و انتزاعی برگرفته از نگرش های عارفانه و صوفیانه ی هنرمندان و سنگ تراشان منطقه می باشد که ارزش های والایی از اعتقادات مذهبی و اسلامی را در برگرفته است. نقوش تجربیدی به عنوان کادر بندی سنگ مزارها همواره در شکل منظم و هماهنگ که از نقوش هندسی مثل دایره، مربع، مثلث، لوزی و نقوش اسلیمی ختایی و محرابی استفاده شده است. برخی از نقوش نمادین یافت شده از سنگ مزارهای در گورستان نیاز به رمزگشایی دارند و جزء نشانه های وضعی از دیدگاه پیرس می باشند یعنی نشانه هایی که میان صورت و مفهوم آن همچنان رابطه همجواری و پیوستگی هست اما این رابطه قراردادی است نه ذاتی و خود به خودی و نیاز به آموزش و به قصد ایجاد ارتباط است. نقوش نمادین که مربوط به ابزار و اشیا و مشاغل می باشد از این نوع نشانه ها می باشد برای مثال نقش قیچی، اگر روی سنگ قبر گورستان سفیدچاه کشیده شده باشد بیانگر این مسئله است که شغل آن زن قالبیابی است حال اگر روی سنگ قبر یک مرد کشیده شده باشد بیانگر این نکته است که مرد متوفی چوپان بوده که از قیچی برای چیدن پشم گوسفندان استفاده کرده است و همچنین یکی دیگر از معنای نمادین نقش قیچی، نمادی از مرگ و قطع رشته حیات است. نقوش نمادین بیانگر جنسیت فرد نیز می باشند مانند استفاده از نقوش شمشیر، کارد، تبر بیانگر متوفی مرد و استفاده از ابزار بافندگی یا شانه قالبیابی اشاره به متوفی زن دارند و همچنین در نقش شانه به صورت دو طرفه برای خانم ها و شانه یک طرفه مخصوص آقایان علاوه بر شناسایی جنسیت متوفی در هر دو به منظور آراستگی در پیش یزدان در روز رستاخیز نیز حکایت دارد. سنگ نشان ها هر کدام خلاصه ای از زندگی دنیوی و آرزوهای زندگی جاودانی صاحب گور را به نمایش می گذارد و از سویی حکاکان بومی منطقه خلق شده اند. حکاکان هنرمندی که به نظر می رسد در همین منطقه زندگی می کرده اند و با توجه به طبیعت منطقه خود و آداب و رسوم خاص نقش هایی را حک می کرده که مختص به همان منطقه است مانند گل انار که به منطقه کوهستانی و وجود درختهای انار فراوان سفیدچاه بهشهر است یا طرح آفتاب تیره که بافندگان روستایی سفید چاه به آن (دست و پاکمر) می نامند و به اعتقاد ریش سفیدان محلی نشانه خیر خواهی و برکت است و یا موج درهم (معرف به چشم زخم) که شکل دایره ای متحدالمرکز پنج تایی را نشان می دهد و به اعتقاد مردم منطقه سفیدچاه ترسیم پنج دایره نشانه پنج تن اهل بیت است که ترسیم آن به این نیت است که پنج تن در دنیای دیگر به روح متوفی توجه نشان می دهند و او را در پناه خویش از آفات مصون می دارند. گاهی حکاکان هنرمند غنای بومی خود را حفظ کرده اند و از نمادهایی بهره برده اند که در اقصی نقاط گیتی از آن استفاده می شود و گویا مفهوم آن ها یکی است یا به هم بسیار نزدیک است مانند نقش خورشید (طرح قدیم، سواسیتکا، که نماد نیک بختی است و یا نقش گل نیلوفر که تجسمی از آفرینش و تولد است و یا وجود نقش سرو که بسیار یافت می شود که نشانه و نماد فناپذیری و جاودانگی و طلب نعمت ها، حیات و برکت و نماد درخت بهشتی و خوش اقبالی است. نقوش ابزار و اشیا و مشاغل تماما جزء نقوش تصویری هستند و نقوش به کار رفته در این سنگ قبرها، ابزار و اشیایی است که معرف شغل، شخصیت متوفی بوده است. این اشیا به صورت ساده و خلاصه و قابل درک و گاهی بسیار ظریف و دقیق حکاکی شده اند که می توان حرف یا شغل متوفی را به راحتی به واسطه همین نقوش تحلیل و بررسی کرد. از مضامین نهفته در شکل کالبدی در سنگ قبرهای سفیدچاه آنچه مشهود است که این نقوش هیچ گاه صرفا جنبه تزئینی نداشته و دارای مفاهیم ویژه ای بوده اند که توسط هنرمندان حجار همان منطقه با الهام از طبیعت و زندگی ساده و بی آلایش مردمان و باور و اعتقاداتشان خلق شده و آن را به شاهکاری بی مانند مبدل ساخته که همچون گنجینه ای بی نظیر هر بیننده ای را به خود مجذوب می کند این نقوش تجلی گاه اندیشه، ذوق و احساس مردمی است که در برخورد با تصاویر و نقوش دارای ادراکی نمادین بوده و رابطه بین صورت و معنای نقش را به خوبی می شناخته اند و براساس قراردادهای این نقوش راترسیم می کردند، که این همان چارچوب نشانه شناسی پیرس محسوب می شود.

نتیجه گیری

قبرستانها و بقایای مرتبط با آئین تدفین یکی از مهمترین داده های باستانی جهت پی بردن به ابعاد مختلف زندگی بشر می باشد. چرا که نشان دهنده عقاید، فرهنگ، و هنر حجاران و مردمان دوره های گذشته است نقوش و نمادهایی که بروی سنگ

قبرها حکاکی شده، گنجینه ای گرانبها و ارزشمندی که بیانگر فرهنگ غنی و پر بار مردمان هر منطقه و کشوری می باشد. رمزپردازی و نمادگرایی ارتباط خاصی با زندگی انسان داشته و یکی از مهم ترین ابزارهای هنرمندان کهن، برای بیان مفاهیم، اعتقادات، باورهای دینی، فرهنگی، اساطیری محسوب می شود. در این مقاله سعی شده با مطالعه و تحلیل نقوش نمادین سنگ قبرهای سفیدچاه بهشهر با رویکرد نشانه شناسی پیرس، که روشی بسیار مفید و امکان پذیر برای تحلیل تمامی نظام های نشانه ای که حاوی معانی فرهنگی هستند و دارای چارچوب مرجع و مستقل و بسیار گسترده ای است که هر نوع بررسی را در بر می گیرد به تحلیل نقوش نمادین منطقه پرداخته شود. به اعتقاد پیرس نشانه شناسی از این جهت اهمیت دارد که با بررسی نشانه ها ارتباط و نحوی رشد معرفت بشری را می توان تعیین کرد. نشانه ها به نظر او، ابزاری در میان دیگر ابزارهای ارتباط نیستند، بلکه تنها ابزار ارتباطند و ارتباط تنها به کمک نشانه ها صورت می گیرد. او نشانه ها را به سه دسته شمایی، نمایه، نمادین تقسیم بندی کرده است.

آنچه که در تحلیل و بررسی نقوش نمادین سنگ مزارهای گورستان سفیدچاه از دیدگاه نشانه شناسی پیرس، مشهود است برخی از نقوش نمادین یافت شده از سنگ مزارهای در گورستان نیاز به رمزگشایی دارند و جزء نشانه های وضعی از دیدگاه پیرس می باشند یعنی نشانه هایی که میان صورت و مفهوم آن همچنان رابطه همجواری و پیوستگی هست اما این رابطه قراردادی است نه ذاتی و خود به خودی و نیاز به آموزش و به قصد ایجاد ارتباط است. نقوش نمادین که مربوط به ابزار و اشیا و مشاغل می باشد. برخی از نشانه های نمادین در گورستان بر اساس موقعیت جغرافیایی و آب وهوایی و باورها و عقاید محلی منطقه و با توجه به طبیعت منطقه خود و آداب و رسوم خاص حک شده اند و همچنین براساس طبقه بندی برخی نقوش به کار رفته در سنگ مزارها، هم جزء نشانه های شمایی و هم جزء نشانه های نمادین می باشند، از جمله: شانه، قیچی، نقوش ابزار و اشیا و که در برخی سنگ قبور با چنان ظرافتی نقش شده اند که هم به ابزار شباهت کامل دارند و هم اینکه نماد شغل متوفی می باشند. برخی نقوش نیز نیاز به رمز گشایی دارد مانند: خورشید، آفتاب تیره، نیلوفر و در نهایت در پاسخ به پرسش های این پژوهش:

نقوش نمادین به کار رفته در سنگ قبرهای سفیدچاه بهشهر مجموعه بسیار خوبی برای بررسی تاریخ، هنر و فرهنگ آن مناطق، محسوب می شود که به معرفی شخصیتها، اطلاعات تاریخی و همچنین سندی است که ویژگی های اعتقادی، فرهنگی، اجتماعی و جغرافیایی دوران خود را آشکار می کند و نقوش به کار رفته صرفا جنبه تزیینی نداشته و با توجه به نگرش های آیینی و مذهبی و تاثیر آداب و سنن بوده است که با شناخت و رمزگشایی و دریافت مفاهیم پنهان این نقوش نمادین، می توان به ریشه تفکرات سایر تمدن ها در ادوار کهن پی برد. اما با گذشت زمان و با توجه به فرسایش هر روزه آثار و حجم اندک منابع مکتوب در این زمینه ضرورت تجزیه و تحلیل آثار را دیدگاه فیلسوف و منطق دان امریکایی، چارلز ساندرس پیرس را برای ما فراهم آورده است.

یکی از مهم ترین اهداف این پژوهش به بیان اینکه می توان با استفاده از طرح این نقوش نمادین که از مفاهیم بسیار غنی و ارزشمند اساطیر کهن و تاریخ ادبیات و هنر ایرانی ما اخذ شده و به دست هنرمندان حجار بومی روی این سنگ قبر ها خلق شده اند، می توان سمت و سوی هنر کاربردی به آن ها داد و برای چاپ روی پارچه و یا حتی تکه دوزی روی لباس ها و یا صنایع دستی بکار گرفته شود و در سطح گسترده تر می توان این نقوش نمادین را که به کار و حرفه مربوط می شود به صورت پیکتوگرام و همچنین می توان با طبقه بندی نقوش سنگ قبرها به صورت کتاب های تصویری، چاپ نمود و با این کار می توان به نوعی که این نقشمایه ها، جزء میراث ملی و با ارزش ما محسوب می شوند، اگر چه سنگ قبرها دچار فرسایش و تخریب و مورد سرقت قرار می گیرد، لاقط به حفظ و نگهداری نقوش روی این سنگ گورها و به عنوان منبعی برای مطالعه ژرف تر مورد استفاده قرار گیرد و همچنین میتوان نقشمایه های این سنگ قبرها را با سایر گورستان های ایران و اقصی نقاط جهان نیز مورد تطبیق و بررسی قرار داد تا بتوان برخی مفاهیم و رموز پنهان در آن را با سایر مناطق باستانی و کهن مورد تاویل و تفسیر قرار داد.

فهرست منابع

- آدامز، لوری (۱۳۹۰)، *روش شناسی هنر*، ترجمه علی معصومی، تهران: انتشارات نظر.
- الیاده، میرچا (۱۳۷۲)، *رساله ای در تاریخ ادیان*، ترجمه جلال ستاری، تهران: انتشارات سروش.
- آموزگار، ژاله (۱۳۷۶)، *تاریخ اساطیری ایران*، تهران: نشر سمت.
- اسکندرپور خرمی، پرویز (۱۳۹۴)، *طوبای گل و مرغ*، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- بهار، مهرداد (۱۳۷۷)، *از اسطوره تا تاریخ*، گردآورنده و ویراستار ابوالقاسم اسماعیل پور، تهران: نشر چشمه.
- بلخاری، حسن (۱۳۸۴)، *تجلی لوتوس در آیین و هنر ایران و هند*، کتاب ماه هنر، مرداد و شهریور.
- پیرس، چالز سندرز (۱۳۸۱)، *منطق به مثابه ی نشانه شناسی*، نظریه ی نشانه ها در نیم سالانه ی زیبا شناخت، ترجمه فرزانه سجودی، شماره ۶، ۵۱-۶۳.
- تناولی، پرویز (۱۳۸۸)، *سنگ قبر*، تهران: نشر بن گاه.
- جابر، گرترو (۱۳۷۰)، *سمبلها (کتاب اول جانوران)*، ترجمه محمدرضا بقاپور: تهران.
- چندلر، دانیل (۱۳۸۷)، *مبانی نشانه شناسی*، ترجمه مهدی پارسا، تهران: نشر سوره مهر.
- حیدری شکیب، رضا؛ افروغ، محمد و میرکمالی، الهام (۱۳۹۱)، «جایگاه نگاره تزینی نقش ماهی در هنر ایران»، *کتاب ماه هنر*، جلد (۱)، ۶۳-۵۸.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، *فرهنگ نامه دهخدا*، تهران: دانشگاه تهران.
- زاهد، سمیه (۱۳۹۴)، «مطالعه تطبیقی نقوش حجاری شده بروی سنگ قبرهای گورستان سفیدچاه و گورستان خالد نبی»، دانشکده الزهراء، پایان نامه کارشناسی ارشد، بهمن.
- سجودی، فرزانه (۱۳۹۸) *نشانه شناسی کاربردی*، تهران: ناشر علم.
- شعیری، حمید رضا (۱۳۹۱)، *نشانه - معناشناسی دیداری*، تهران: انتشارات سخن.
- شوالیه، ژان گریبان آلن (۱۳۸۲)، *فرهنگ نمادها*، ترجمه سودابه فضایی، تهران: انتشارات جیحون.
- علی نژاد، روجا (۱۳۹۳)، «سفیدچاه، نمایه ای فراتر از یک گورستان»، *نشریه هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی*، شماره (۲).
- غنی نژاد، فهیمه (۱۳۷۹)، «*افسانه است و افسون*»، کتاب ماه هنر، شماره (۲۸ و ۲۷)، ۴۷-۴۴.
- فیشر، ارنست (۱۳۷۰)، *ضرورت هنر در روند تکامل اجتماعی*، ترجمه فیروز شیروانلو، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- کوپر، جی سی (۱۳۸۴)، *فرهنگ مصور نمادهای سنتی*، ترجمه ملیحه کرباسیان، تهران: نشر فرهاد.
- مکاریک، ایرناریما (۱۳۹۳)، *دانشنامه نظریه های ادبی معاصر*، ترجمه مهراں مهاجر، محمد نبوی، تهران: نشر آگاه.
- وفایی، شهربانو (۱۳۸۱)، «گزارش بررسی، مطالعه و مستندسازی گورستان سفیدچاه بهشهر»، اداره کل میراث فرهنگی مازندران.
- هال، جیمز (۱۳۸۰)، *فرهنگ نگاره ای نمادها در هنر شرق و غرب*، ترجمه رقیه بهزادی، تهران: فرهنگ معاصر.
- یاحقی، محمد جعفر (۱۳۸۶)، *فرهنگ اساطیر و داستان واره ها در ادبیات حماسی*، تهران: فرهنگ معاصر.

Study and cognition, reliefs of Sefidchah cemetery in Behshahr with semiotic approach

Abstract

Cemeteries and burial remains are one of the most important ancient data to understand various aspects of human life. Because it reflects the beliefs, culture, and art of sculptors and people of past periods. Patterns and symbols on the tombstones are engraved, a precious and valuable treasure that reflects the rich and fruitful culture of the art people of the region and the country.

Cryptography and symbolism have a special relationship with human life and one of the most important tools of ancient artists to express Concepts, beliefs, religious, cultural, mythological beliefs. In this research, the symbolic designs of the tombstones of Sefidchah Behshahr, which are very important cemeteries in terms of age and themes hidden in the physical shape of the tombstones, will be studied and analyzed. The purpose of this study is the semiotic analysis of symbolic tombstone motifs from the perspective of Charles Sanders Pierce, an American philosopher and logician who was one of the first to classify semiotic units. He divided the signs into three categories: iconic, index, and symbolic. He believed that signs have a three-dimensional pattern, the appearance or form of the sign, the interpretation or meaning of the sign, the subject or thing to which the sign refers. The result of the research shows that the symbolic motifs of the tombstones express the thoughts, beliefs and the way of thinking of the people of the region.

Keywords: Symbolic Patterns, Tombstone, Behshahr White Well, Charles Sanders Pierce